

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل سوم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمهٔ فصل سوم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبهٔ عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاورهٔ مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل سوم شخص مشاور

چه کسی باید مشاور باشد

همه ایمانداران باید مشاوران برادران و خوهران مسیحی خود باشند، ولی مشاوره مسیحی به عنوان خدمت ویژه (که به آن خوانده شده است) به کشیش و همکاران او تعلق می گیرد (۱). از نقطه نظر کلام خدا هیچ نیازی برای ایجاد دفتر روانشناسی در کلیسا وجود ندارد. بر طبق کلام خدا منشأ مسائل شخصی تنها سه نوع می باشند: شیطان صفتی (عمدتاً در تحت تسلط قرار داشتن)، گناه شخصی، و بیماری های جسمانی. این سه وابسته بهم نیز می باشند. همه امکانات در این سه خلاصه شده اند، و جایی برای نوع چهارم نیست (بیماری روانی) (۲). در نتیجه جایی برای روانشناس وجود ندارد. این صنف زمانی ایجاد شد که اصطلاحات پزشکی مربوط به بیماری های غیر جسمانی وارد کلیسا شد. طبیب خواصی؛ قسمتی طبیب (قسمت کوچکی) و قسمتی کشیش غیر روحانی (۳) (قسمت عمده)، ایجاد گردید تا کاری که مربوط به خدا است را در دست خود بگیرد (۴). من اینجا عقاید مدرن بیماری روانی را مورد بررسی قرار نخواهم داد. دیگران در این زمینه نوشته های خوبی ارائه داده اند (۵). در اینجا تنها دو مورد را متذکر خواهم شد: (۱) روانشناس باید به کار طبابت برگردد (۶)، و (۲) خادم خدا نیز باید به کاری که از او گرفته شده بازگردد.

خدمتی که روانشناس در قلمرو طبابت می کند قابل ستایش است و کارشان در حال رشد نیز هست. شناخت تأثیرات شیمیایی بدن بر روی احساسات و رفتار تازه شروع شده و آینده بسیار سودمندی را دارد. کشیشان مسیحی باید خوشحال باشند که روانشناسی جای خدمات غیر جسمانی را ترک کرده (البته تنها در آمریکا) و کلیسا کاملاً به روح القدس توکل نموده است. خدمت برحق و مشروع روانشناس در خصوص کسانی است که مسائل جسمی دارند. در این رابطه نیز مشاور مسیحی باید حضور داشته باشد چون بسیاری از مسائل جسمی جنبه روحانی خود را نیز دارند. بعنوان مثال، اگر شخصی مبتلا به زخم معده باشد، پزشکی را لازم دارد تا صدمات جسمی را معالجه کرده و درمان را ایجاد کند، اما در همین حال مشاور مسیحی را لازم دارد رفتار گناه آلودی که باعث آن شده را از طریق کلام خدا جویا شده و پاک نماید. ممکن است دلیل ارتباط ناسالم با اشخاص دیگر ایجاد شک، گوشه گیری، و سایر مشکلات را کرده باشد.

مشاور مسیحی باید دست گذاری شده باشد

مشاور مسیحی باید توانائی (و اراده) انجام تمام کاری که خدا بر او واگذار نموده را داشته باشد. این کار، خدمت به مردان و زنانی است که از آزار های زندگی گناه آلود رنج و آسیب دیده اند. موضوع کلام خدا محبتی است که عیسی مسیح به کلیسایش نمود و کلیسایش همان را به همسایگانش ارزانی کرده (خلاصه احکام خدا). کشیش کسی است که برای اعلام خبر خوش خوانده شده، و کلام خدا را مسیر زندگی کسانی که روح القدس احیا نموده نماید. او برای محبتی که ایماندار نسبت به خدا دارد اهمیت حیاتی می دهد. او باید کسی باشد که خدا خوانده که بعنوان کشیش/ معلم، فرزندان خدا را در راه نیکی هدایت کند و آن ها را از کلام خوارک رساند:

متی ۴

۴: عیسی در پاسخ گفت: «نوشته شده است که: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود.»»

وظیفه عالی که به او سپرده شده رساندن خدمتی است که کلام خدا از طریق وعظ و مشاوره گوسفندانی که خسته، درمانده، تشنه و گشنه، و سرگردانند، به آغل برگرداند. این دو کار، وعظ و مشاوره، مربوط به نقشی است که کشیش و معلم روحانی دارند.

افسیان ۴

۱۱: و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلم،

منظور از وظیفه عالی کشیش و مشاور مسیحی این نیست که مسیحیان عموماً نباید وارد کار مشاوره مسیحی شوند چون هر ایماندار عطایای خود را دارد. منظور این است که کشیش و مشاور مسیحی دفتر کار و خدمت خود را در کلیسا بدست آورده اند. در اینجا سؤالی که پیش می آید آن است که آیا ایمانداران می توانند خدمت مشاوره مسیحی را بدون دست گذاری انجام دهند یا نه؟ همان گونه که همه مسیحیان باید شهادت به ایمانشان بدهند، که شامل اعلام غیر رسمی کلام خدا است (اعمال ۸: ۱ تا ۴)، همه مسیحیان باید مشاور یکدیگر باشند. اما، همه مسیحیان برای خدمت در امور مشاوره مسیحی کلیسا خوانده نشده اند. او را به گونه خاصی خدا خوانده و از طریق کلیسا باید برای آن خدمت دست گذاری شود. کلام خدا می گوید تنها کسانی که واجد شرایط خدمت در دفتر مشاوره مسیحی کلیسا هستند می توانند رسماً چنین کاری را بعهده بگیرند. این به آن معنی است که آنکه خدمت دائم عمر خود را در مشاوره مسیحی یافته، باید خود را آماده چنین کار نماید و دست گذاری نیز بگردد. خدا ایمانداران را به خدمت دائم عمر می خواند و مشاوره مسیحی نیز یکی از خدمات کلیسا است.

یکی از بهترین دوره آموزش مشاوره مسیحی را از طریق انستیتوی مشاوره نوتتیک می توان بدست آورد(7). منابعی که مشاور مسیحی به آن رجوع می کند عمداً کتاب مقدس، روح القدس، و کلیسا است. این خود نشان می دهد کسانی که مشاوره مسیحی را خارج از کلیسا و دفتر شخصی خود انجام می دهند از نام مشاور مسیحی سواستفاده کرده اند. مشاوره که خارج از کلیسا خدمت می کند مسیحی نیست، چون کلیسا است که اعتبار و قدرت انجام کار های مربوط به خدا را دارد. بدن عیسی است که فعالیت خدا را بجای می آورد، نه خود ایماندار. البته خود ایماندار مسئولیت خود را دارد، ولی کلیسا است که بدن عیسی مسیح را می سازد و زیر پوشش حفاظت و قدرت خدا است.

افرادی که برای خدمت مشاوره مسیحی خوانده شده اند می توانند بدون دست گذاری به خدمت ادامه دهند، در صورتی که آموزش لازم را کسب نموده باشند. اما باید طالب دست گذاری بوده و در این راه کوشش کنند.

صلاحیت مشاور مسیحی

صلاحیت مشاور مسیحی مانند صلاحیت خادم کلیسا است. سؤال اینجا است، ایمانداری که برای منظور خدمت مشاوره مسیحی دست گذاری نشده (جدا نشده)، می تواند چنین خدمتی را برای تمام عمر خود قبول کند؟ این سؤالی است که او باید از خود بکند.

من در کتاب دیگری در مورد صلاحیت مشاور مسیحی صحبت کرده ام (۸)، و آن ها را می توانم به این ترتیب خلاصه نمایم، شناخت وسیع از کلام خدا، حکمت روحانی، و نیک دلی نسبت به مردم (رومیان ۱۴: ۱۵ و کولسیان ۳: ۱۶). این سه، نشانه سه بعد از آنچه کلام خدا مقابله با گناه شمرده می باشند:

مقابله با گناه	صلاحیت مشاور
۱. تشخیص آنچه خدا می خواهد در ایماندار تغییر کند.	۱. دانش خواست خدا از طریق آیات کلام. (رومیان ۱۴: ۱۵ و کولسیان ۳: ۱۶)
۲. مقابله لفظی با استفاده از کلام خدا بخاطر ایجاد تغییر در روحیه و رفتار ایماندار.	۲. حکمت خدا در رابطه با ارتباط با دیگران (کولسیان ۳: ۱۶).
۳. مقابله با او به خاطر نفع او.	۳. نیت نیک و اهمیت دادن به بدن عیسی. (رومیان ۱۴: ۱۵)

متأسفانه بعضی مشاوران مسیحی تنها پس از موفقیت در امتحان الهیات و اداره کلیسا دست گذاری می شوند و خصوصیات شخصی آنها یا نادیده گرفته می شود و یا تصور می شود که وجود دارند. اما در تیتوس و اول تیموتاوس می بینیم تأکید بر خصوصیات شخصی بیشتر شده تا دانش اصول الهیات (۹). شکی نیست که روش صحیح تری برای ارزیابی خواننده شدن و دست گذاری خادمین لازم است. این ارزیابی باید شامل شایستگی شخص مورد نظر، در خصوص سه مورد از طریق مقابله ذکر شده نیز باشد (۱۰). علاوه بر آن سه خصوصیات، امید و ایمان به عمل خدا باید وجود داشته باشد. شخص با ایمان، وعده های خدا را قبول می کند. خدا در کلام وعده داده آنکه به گناهایش واقف است و به آن توبه می کند، و همچنین در راه تازه خدا قدم بر می دارد را تغییر خواهد داد. با داشتن ایمان به وعده های خدا، او امید را نیز خواهد داشت. بدون داشتن امید در عمل خدا، نخواهد توانست امیدی که کلام میرساند را بازگو کند (۱۱). او باید وعده های خدا را حتمی بداند تا بتواند شکست خوردگان و ناامیدان را در راه های مشکل خدا هدایت کند. در نتیجه تمرکز او بر راه حل های خدا خواهد بود تا بر مسائل و مشکلاتی که انسان دارد.

اقتدار مشاور مسیحی

اقتدار روحانی در مشاوره مسیحی لازم است. تنها مشاوره مسیحی است که از چنین اقتداری برخوردار است. مشاور مسیحی که دست گذاری شده، از اقتداری که عیسی مسیح به کلیسایش داده برخوردار است.

اول تسالونیکیان ۵

۱۲: حال ای برادران، تقاضا می کنیم آنان را که در میان شما زحمت می کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می دهند، گرامی بدارید،

۱۳: و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می دهند، برایشان قائل باشید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید.

ولی از آنجا که اقتدار، مورد سو استفاده قرار گرفته، باید صحبت بیشتری را جمع به هدف و محدودیت آن کرد. کلام خدا از دو نوع اقتدار صحبت می‌کند: اقتدار خدا و اقتدار انسان (اعمال ۵: ۲۹ – بجای انسان باید خدا را گوش بدهیم). خدا به کلیسا، خانواده و دولت اقتدار داده، ولی آن نوعی نیست که با یکدیگر در تضاد باشند. در آیه ضمیمه شده، کارمندان دولت پا فراتر از محدوده اقتدار خود گذاشته بودند. چنین خطایی تجاوز به محدوده خدا است. محدوده اقتدار خدا نیز در کلام ثبت شده است (رومیان ۱۲: ۱ تا ۷). مشاوران باید از اقتداری که خدا به آن‌ها داده استفاده کنند، ولی در حدود آنچه تعلق به آن‌ها دارد. محدوده اقتدار مشاور مسیحی را کلام خدا نشان داده و نتیجتاً نه اختیاری است، و نه ستم‌گرا. مشاور مسیحی آنچه کلام گفته را باید با اقتدار تمام اعلام کند ("شما هیچ دلیلی برای طلاق گرفتن ندارید؛ اگر این راه را بروید گناه خواهید کرد"). ولی نصیحتی که مطابقت با آن دارد را نیز باید به زبان آورد ("بهتر است برنامه گفت و گوی دور میز را ایجاد کنیم تا طریق ارتباط محبت آمیز را بی‌آموزید"). در خصوص نصایح، باید توجه داشت که برداشت شخصی می‌باشند و ممکن است اشتباه باشند. امکان اشتباه بودن این نوع نصایح را باید پذیرفت، ولی به همان اندازه باید بر صحیح بودن کلام پافشاری کرد. گفت و گوی دور میز می‌تواند طریق مفیدی باشد، و بر اساس کلام خدا نیز استوار باشد، ولی هیچ وقت نمی‌توان آن را دستور داد. اما کلام خدا را در محبت باید به زبان آورد و دستور داد. برای تمرین، گفته‌های زیر را در نظر بگیرید، و آنچه مناسب و نامناسب است را علامت‌گذاری کنید (آنچه نامناسب است را به گونه مناسب بنویسید).

۱. "این گناه را به خدا اعتراف کرده و آن را رها کن".
۲. "اتوموبیل را بفروش و مابقی بدهیت را بپرداز".
۳. "باید روزانه کلام خدا را مطالعه کنی و دعا کنی".
۴. "هر روز صبح باید نیم ساعت کلام خدا را بخوانی، و بیست دقیقه دعا کنی".
۵. یک طریق اجرای حکم محبت به همسایه این است که صورتی از آنچه زن شما را خوشحال می‌کند را فراهم ساخته، و هر هفته یک مورد را اجرا کنی".
۶. "شما باید رابطه همجنس‌بازی را همین امروز قطع کنید".
۷. "داروهای افسردگی کمکی به شما نمی‌کنند؛ دیگر آن‌ها را استعمال نکنید".
۸. "انگرنی شما باید قطع شود؛ شما باید بی‌آموزید توجه خود را بجای آینده به امروز بگذارید".
۹. "سعی کنید تا هفته آینده صرفشویی خود را انجام داده باشید".
۱۰. احکام خدا را اطاعت کنید، چه احساس خوبی نسبت به آن دارید یا ندارید" (۱۲).

مشاوران مسیحی باید هدایت‌کننده باشند

در عهد جدید کتاب مقدس، واژه ای که برای مشاور بکار برده شده (nouthesia) "هدایت در راه کلام" می‌باشد. در عهد قدیم نیز معنی آن "نصیحت کردن و هدایت کردن" است (۱۳). اما در دوران مدرن امروزه برداشتی که از مشاوره می‌شود تنها جنبه گوش دادن را به خود گرفته است. امروز صحبت از مشاوره ای است که هدایت به جانبی ندارد (آزادی). این عنوان روجریین "Rogerian" (۱۴) می‌باشد و کاملاً با آنچه کلام خدا می‌گوید مغایرت دارد. کلام خدا هدایت‌کننده است.

شخصیت مشاور مسیحی

آیا نوع مشاوره ای که هدایت کننده است، شخصیت بخصوصی را لازم دارد؟ یا به عبارت دیگر، آیا طریق عمل مشاوره ای که مقابله با گناه می کند، ارتباط مستقیم با شخصیت مشاور دارد، یا تنها بر اساس صلاحیت های نام برده شده می باشد؟ آیا طریق عمل شخص را می سازد، یا شخص طریق عمل را؟ سؤال مهمی است به دلایل گوناگون. اگر شخصیت عامل اصلی پشت پرده طرق مختلف مشاوره باشد، نتیجتاً صلاحیت های نام برده شده و طریق انجام کار بستگی به امر الهی ندارد. نمی توان اساس آن ها را بر کلام خدا استوار نمود، و اقتدار لازم را نیز نخواهد داشت. خلاصه، اگر شخصیت مشاور عامل اصلی است، این کتاب فایده ای برای شما ندارد.

آنچه باید به هر قیمتی که لازم باشد نگاه داشت صلاحیت و اعتباری است که کلام خدا در مشاوره مسیحی دارد (۱۵). همه نوع عقاید "نسبت گرا" را باید رد کرد. تنها بر اساس پیش فرض های کلام خدا است که مشاوره صحیح می تواند صورت بگیرد، و این اصولی است که برای همه مشاوران مسیحی صدق می کند. طرق عمل اگر مختلف باشند، در اساس که قسمت عمده آن ها نیز خواهد بود، یکسانند. البته این همبستگی شخص و اصول کار، تنوع را در طرق عمل مستثنی نمی کند (۱۶). همان طور که در موعظه طرق مختلف وجود دارد، در مشاوره مسیحی نیز طرق مختلف زیاد است. شخصیتی که خدا ایجاد نموده کاملاً قابل قبول می باشد (۱۷).

اما از آنجایی که پیام خدا اقتدار خود را دارد، مشاور مسیحی مانند واعظ باید شخصیت خود را با پیام وفق دهد تا آن که پیانو را مطابق با شخصیت خود نماید. اقتدار از خدا است نه از انسان. با وجود آنکه با روش های مختلف عنوان شده، اقتدار اساسی خدا باید در تمام جلسات مشاوره مسیحی آشکار باشد. هر نوع شخصیتی که مخالف پیام باشد باید تغییر کند. بخاطر همین بود که خدا پطرس را از پیامبری ضعیف، ترسان و دودل، تبدیل به بی باک و پرقدرت نمود تا بگوید، "خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال ۵: ۲۹) (۱۸). هر چه مشاور مسیحی کلام خدا را با ایمان بیشتری خدمت کند، بیشتر مطابق به آن می گردد.

ممکن است مشاوره برای ادامه خدمت خود نیاز به تغییر بنیادی در خود ببیند (۱۹). ما در انستیتوی مشاوره نوتتیک شاهد چنین تغییرات در دانشجویان زیادی بوده ایم. ایمانداران نه تنها شهادت داده اند که تغییرات بزرگی در شخصیت خود پدید آورده، بلکه در طول سال های خدمت شهادت کار های عظیم خدا را در زندگی و ازدواج خود نیز داده اند. هر جا که روح القدس در کار بوده، تغییرات مؤثری را بوجود آورده. انسان تغییر می کند، و خدا می تواند این تغییر را در همه ایجاد کند. پطرس و پولس تغییر کردند؛ شما نیز می توانید تغییر کنید. "پاکسازی" (تغییر شخصیت به جانب نیکی) کار روح القدس است که با بکار بردن کلامش آن را انجام می دهد.

دانشجویی در اولین روز کلاس می گفت، "من هیچ وقت نخواهم توانست این گونه با مردم صحبت کنم؛ چنین امکانی در من نیست." او تشویق شد صبر کند تا ببیند. چند هفته بعد خود را وارد جلسه مشاوره کرد و در نتیجه شخصیت او تغییر کرد. دوره آموزشی باعث تغییر در شخصیت او شد و تأثیر بزرگی در خدمت او وارد نمود.

بر اساس ایمان به آن که روح القدس می تواند هر ایماندار را تغییر دهد، باید توکل بر آن داشته باشیم که هر ایماندار که خدا به خدمت خوانده، هدیه لازم نیز به او داده شده، و نتیجتاً توانائی انجام کار را دارد. هدایایی که برای خدمت مشاوره مسیحی لازم می باشند دقیقاً همان است که کشیش لازم دارد. البته ممکن است تغییراتی در او لازم باشد، ولی همه امکان پذیر هستند. او باید تغییر را در خود بپذیرد تا بتواند انتظار تغییر در ایمانداران دیگر را داشته باشد. مشاوره ای که خود تغییر و تحول خدا را چشیده بیشتر اشتیاق به دیدن آن در دیگران خواهد داشت. در حقیقت هر ایماندار که به خدمت مشاوره مسیحی خوانده

شده شاهد تغییراتی در خود خواهد بود (۲۰). نیاز های کار به حدی می باشند که هیچ کس نمی تواند با قدرت خود آن ها را انجام دهد. او نمی تواند آنگونه که هست بماند.

فهرست زیر نویس های فصل سوم

- (۱) به فصل اول کتاب "The Big Umbrella" رجوع نمائید.
(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۲) Clyde Narramore انسان را به قسمت های بدن (پزشک)، روح (کشیش)، و جان (روانشناس) تفکیک کرده که مطابق با کلام خدا نیست. تقسیم انسان به سه بخش از تفسیر اشتباه آیه اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ گرفته شده. در این آیه پولس با استفاده کلمات بسیار سعی می کند تمرکز را بر "تمامیت" انسان کند و نه او را به قسمت ها تقسیم نماید. عیسی مسیح نیز به همان طریق گفت خدا را "با تمام دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود" محبت کنیم (مرقس ۱۲: ۳۰). کلام خدا کلمات جان (pseuche) و روح (pneuma) را تبادل پذیر دانسته و آن گونه از آن استفاده کرده است. در لوقا ۱: ۴۶ و ۴۷ این دو در موازات با هم استفاده شده اند.
- (۳) The Modes and Morals of Psychotherapy نوشته Perry London صفحه ۱۵۶
- (۴) قبل از فروید Freud و شارکت Charcot ، خادمین خدا راجع به موضوعاتی مانند افسردگی Melancholia کتاب ها منتشر می ساختند.
- (۵) خادمین مسیحی و روانشناسان هر دو، دو هدف مشترک دارند. هر دو طالب تغییر رفتارند، و هر این کار را از طریق ارزش، روحیه، و رفتار انجام می رسانند. ام خدا چنین کاری را بعنوان خدمت دائم عمر به خادمین خود سپرده و نه به کسان دیگر.
- (۶) "روانشناسان در واقع طبیب نیستند چون کسانی را که طبابت مبد کنند در واقع بیمار نمی باشند:
The Modes and Morals of Psychotherapy نوشته Perry London صفحه ۱۵۳
- (۷) انستیتوی مشاوره نونتیک مدرسه تعلیم مشاوره مسیحی است از طریق مکاتبه.
(www.nouthetic.org) از این طریق می توانید تماس بگیرید. البته دروس تماماً به زبان انگلیسی است، ولی به خواست خدا بزودی تمام کتب درسی و دروس مکاتبات به زبان فارسی ترجمه خواهند شد.
- (۸) صلاحیت مشاور مسیحی "Competent to Counsel"، نوشته جی آدامز.
(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۹) تیتوس ۱: ۶ تا ۹ و اول تیموتائوس ۳: ۱ تا ۷. من نیز مانند پولس اهمیت زیادی به شناخت و تربیت در اصول الهیات دارم. اما نمی توان نادیده گرفت که امروزه تأکید بیشتری بر آن است تا آنچه در عهد جدید کتاب مقدس می بینیم.
- (۱۰) اینجا صحیحیت من راجع به وعظ و تعلیم نیست، بلکه دو مورد است که جدا از هم نمی باشند؛ خصوصیتی که خادم را قادر به وعظ کردن می کند، و باز کردن کلام بخاطر مقابله با گناه.
- (۱۱) "The Big Umbrella"، نوشته جی آدامز.

(این کتاب تا بحال ترجمه نشده است)

(۱۲) قبل از آنکه به صحبت بیشتر راجع به این ده مورد که در پیوست شماره ۶ آمده بنگرید، سعی کنید جواب را خود بدست آورید.

(۱۳) در اشعیا ۹: ۶ چنین رابطه ای را مشاهده می کنیم.

(۱۴) در مورد راجرز "Rogers" بعداً صحبت خواهیم کرد.

(۱۵) روانشناسی با نام جان بوستون در کتاب خود نوشته "استفاده از کلام خدا برای سنجش و درمان مسائل و مشکلات انسانی مانند همان است که برای حل مسائل فیزیکی و شیمی یا ساختمان کشتی از آن استفاده گردد". البته او اشتباه کرده و نیاز به احیای روحانی دارد تا به اشتباه خود آشنا شود. کلام خدا صرفاً برای مسائل و مشکلات انسان داده شده، و تنها آنکه انسان را آفرید توانائی چنین کاری را دارد.

(۱۶) در چهار چوب کلام خدا انعطاف پذیری موجود می باشد و آن را در هدایای شخص مشاور مشاهده می کنیم. هدایای خدا را در خدمت بکار می بریم.

(۱۷) در متی ۱۱: ۱۶ تا ۱۹ (لوقا ۷: ۳۱ تا ۳۴) عیسی مسیح طریق عمل خود را با یحیی مقایسه می کند. نه رقص و نه سرودهای عزادارانشوندگان را لمس کرد.

(۱۸) و همچنین اعمال ۳: ۱۴ و ۱۵. ناترسی (اعمال ۴: ۳۱). جرأت (اعمال ۴: ۱۳).

(۱۹) در حقیقت هر طریقی که پیش گرفته شود قالبی چون عیسی مسیح را بخود خواهد گرفت. کار روح القدس مانند شمشیر دو لبه است.

(۲۰) تغییرات همه آئی ایجاد نمی شوند. مشاور مسیحی نمی تواند در انتظار کامل بودن خود بنشیند. تغییرات در راه (زندگی روزانه) انجام می گیرند. وقتی شکست می خورد، باید اقرار کرده و راه صحیح را دوباره طی کند. در حالی که تور ماهی گیری خود را ترمیم می کند، تجربه دست آمده باعث رشد او می شود. انسان مشاور بخاطر احیا شدن خود است که اعتبار کار را بدست می آورد. چون او نیز مانند دیگر ایمانداران با مسائل و مشکلات روبرو شده و با قدرت روح القدس کلام خدا را در خود جانشین نموده، می تواند به دیگران امید بدهد. اگر توانسته قضاوت خدا را از طریق کلامش شامل زندگی خود نماید، دیگران نیز به او اجازه خواهند داد قضاوت خدا را وارد زندگیشان کند. مدل بودن سریع ترین راه مشاوره مسیحی است. شش سال است که ما از این طریق در استثنوی خود استفاده کرده ایم.